

## سخن مدیرمسئول

بسم الله الرحمن الرحيم

- روزی که آخرین پیامبر خدا، دیده از دنیا بست، رایت هدایت را به دو یادگار ماندگار خود - قرآن و عترت - سپرد، و گمراه نشدن امّت را در گرو همراهی هماره امّت با آن دو بازمانده گرامی خود دانست. در برخی از روایات حدیث ثقلین آمده است که حضرتش فرمود:

فانظروا کیف تخلّفو ن فیہما  
و لأسئلکم و لآھفین مسئلتکم.

- حضرتش با این گونه جملات، باری سنگین از مسئولیت بر دوش امّت افکند؛ تا کدامیں فرد، سنگینی آن را احساس می‌کند و کدامیں بی‌تفاوت می‌ماند!
- حضرت صدیقه کبری فاطمه زهراء<sup>علیها السلام</sup> در بیانی از سر درد، خطاب به اصحاب پیامبر، روزهایی را به یاد آنان می‌آورد که آنان، بی‌توجه به رنجهای گران رسول هدایت، به گنجهای رؤیایی خود می‌اندیشیدند، و پیامبر را بی‌یاور رها کرده بودند:  
و انتم في رفاهية من العيش، وادعون فاكهون آمنون، تربصون بنا الدوائر  
و تتوكفون الأخبار و تنكصون عند النزال و تفرّون من القتال... (احتجاج،

ج، ۱، ص ۱۰۱)

- از این کلام می‌توان به این پیام رسید که در بعضی از زمانها که غربت دین با تمام وجود احساس می‌شود، باید به نصرت آن برخاست. در چنین زمانهایی، "دین - باور" بودن فقط از معتبر "دین - یاور" بودن می‌گذرد. و گرنه مدعایی بیهوده است.
- تاریخ اسلام، هنگامه سنگین روز اُحد را زیاد نمی‌برد. آن روز مسلمانان - با



می‌گوید:

﴿إِنَّ الَّذِينَ تَوَلُّوْا مِنْكُمْ يَوْمَ الْجَمِيعَانِ إِنَّمَا اسْتَزَّهُمُ الشَّيْطَانُ بِعَضٍ مَا كَسَبُوا وَ لَقَدْ عَقَ اللَّهُ عَنْهُمْ، إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ حَلِيمٌ﴾ (آل عمران ۳ / ۱۵۵)

یعنی که: هان! آیندگان! بهوش باشید و بگوش! پاره‌ای از گناهان شما - با آنکه خدای آمرزگار، بسیاری از آنها را می‌بخشد - می‌تواند چنین پیامدی داشته باشد که در چنان هنگامه‌ای، چنین پیامبری را تنها گذارید و عواقب سنگین شکست را، ابتدا خود بچشید و در مرحله بعد، به نسلهای آینده بچشانید.

۴. کمی به عقب برگردیم، به روزگاری که بنی اسرائیل در رکاب حضرت موسی کلیم الله بودند و بر خوان مائدۀ آسمانی می‌نشستند؛ گنجی شایگان و نعمتی رایگان، که قداست آسمانی داشت و آسان، دست یاب می‌شد. ناگهان زمزمه‌ای در میان بنی اسرائیل افتاد که: خسته شدیم از من و سلوای تکراری! تنوع می‌طلبیم! دلها برای سیر و عدس و پیاز تنگ شده بود و خوراک زمینی بشری را بر مائدۀ آسمانی الهی ترجیح می‌دادند. گزارش این درخواست، از زبان قرآن خواندنی است:

﴿وَ إِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَى لَنْ نَصِيرَ عَلَى طَعَامٍ وَاحِدٍ فَأَدْعُ لَنَا رَبَّكَ يُخْرِجُ لَنَا إِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ مِنْ بَقْلِهَا وَ قِثَائِهَا وَ فُوْمَهَا وَ عَدَسَهَا وَ بَصَلَهَا﴾

و پاسخ کوبنده خدای قهار جبار را باید به گوش جان شنید:

﴿قَالَ أَتَسْتَبِدِلُونَ الَّذِي هُوَ أَدْنَى بِالَّذِي هُوَ خَيْرٌ؟ أَهْبِطُوا مِصْرًا فَإِنَّ لَكُمْ مَا سَأَلْتُمْ وَ ضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الدَّلَةُ وَ الْمُسْكَنَةُ وَ بَأْوِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ ذُلِكَ بِأَنَّهُمْ



كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ بِغَيْرِ الْحَقِّ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا

يَعْتَدُونَ. ﴿٢﴾ (بقره / ٦١)

آنان به استبدال خود خواسته گرفتار آمدند و در چنبره ذلت خود ساخته افتادند،  
به سبب عصیانی که در برابر پیامبر شان مرتکب شدند.

خداؤند حکیم، از گزارش این رویدادها برای امت اسلام، چه می خواهد؟  
عبرت گرفتن و پند آموختن، تا اینان به دامچاله آنان نیفتند. دریغا! که هشداری چنین  
آشکار نیز سود نبخشید، از آن روی که آن مردمان را روی به بهبود نبود.

۵. خدای حکیم، نعمتهای فراوان و فزون از شمار به مردمان بخشیده و  
می بخشد. آفریدگار مهربان، منت نهادن بر کسی را به جهت نعمتی نمی پسندد، و  
خوش نمی دارد. چنانکه امام امیرالمؤمنین علی‌الله‌علیه‌السلام، در تفسیر آیه "اجر غیر معنون" (تین  
(٩٥) / ٧) می فرماید: "لَا يَمِنُ عَلَيْهِمْ بِهِ" (تفسیر صافی، ج. ۵، ص. ۳۴۷). همین مضمون را در  
بیان امام صادق علی‌الله‌علیه‌السلام ذیل سوره تکاثر می خوانیم. (همان، ص ۳۷۰)

در همین حال، در قرآن می خوانیم که به یک نعمت والا گران سنگ، بر مؤمنان  
منت نهاده است: ﴿لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنفُسِهِمْ يَنْهَا عَلَيْهِمْ  
آيَاتِهِ وَيُرَأَّكِيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ﴾ (آل عمران  
(٣) / ١٦٤)

تأکید بر این نعمت بی مانند در میان آن همه نعمت بی منت، برای آن است که  
ارزش تلاوت و تزکیه و هدایت و ارج تعلیم کتاب و حکمت را به مردمان بنمایاند؛ تا  
آن را سرسری نگیرند و آسان نپندازند.

آسان‌ترین وجه این مطلب، آن است که نعمتی که انسان را برای بهره‌گیری از  
نعمتهای دیگر جهت می دهد و راه می نمایاند، نعمت هدایت است. پس جای آن  
دارد که در میان آن همه موهبت الهی، در روز حساب و جزا، درباره این یک بپرسد:  
﴿ثُمَّ لَتُسْئَلُنَ يَوْمَئذٍ عَنِ النَّعِيمِ﴾ (تکاثر / ٨)



۶. این نکات همگی مدخل‌هایی بودند برای بحث اصلی که موضوع این قلم انداز است. توضیح را، به چند جمله کوتاه - به ترتیب بندهای پیشین - بسنده می‌کنیم:

الف) هم تبیین قرآن به حدیث وابسته است و هم دستیابی به کلام عترت. یعنی هرگز به رهنمود تقليین نمی‌توان عمل کرد مگر با بهره‌گیری از حدیث. از سوی دیگر، سؤال و اصرار پیامبر در روز جزا، فرصت عمل را از ما می‌گیرد. پس در همین فرصت محدود عمر دنیا باید به این وظیفه عمل کرد.

ب) غربت دین که نصرتی در خور خود می‌طلبد، امروز بیش از هر زمان دیگر احساس می‌شود. تندباد مسموم شک و تردید، شجره طبیهٔ یقین را هدف گرفته و هر روز شاهد فرضیه‌ای جدید هستیم که غالباً بی‌پایه و بدون استناد به مبانی علمی قطعی است. کمترین نتیجه این تندباد، کوتاه شدن عمر امور یقینی است که می‌تواند سرپناه فکری مطمئنی برای انسانها باشد. این حقایق، همه در کالبد حدیث (روایت و درایت) عرضه می‌شود.

ج) هنگامه‌هایی شبیه اُحد، همواره در انتظار امّت است. اگر شکست در برابر دشمن، در زمان حیات پیامبر مقدور بود، امروز بسیار آسان‌تر می‌توان انتظار آن را داشت. و چه گناهی بالاتر از این‌که چنان نعمت والای الهی را نادیده انگاریم و به یاری او نشتایبیم؟ کفران نعمت، گناهی است نابخشودنی، به مدلول حدیث گرامی امام جواد علیه السلام که فرمود:

نعمه لا تشكر كسيئة لا تغفر. (بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۳۶۵)

و هرچه نعمت گرامی‌تر، کفران آن سنگین‌تر. و چه نعمتی گران‌بهادر از نعمت کلام خاندان نور؟

د) علم موهبتی الهی که خداوند پیوسته به اهل‌بیت می‌دهد و آن گرامیان به مردم می‌بخشند، قابل قیاس با خوراک جسم نیست، بلکه بسی ضروری‌تر و



مهم تراست. رها کردن آن و دل خوش داشتن به بافت‌های ناتمام بشری، تکرار رفتار بنی اسرائیل است و تکرار همان عصیان، که این بار پس از تبیین و اتمام حجت روی می‌دهد و بار این گناه بسی سنگین‌تر است.

هر کسی که مهم‌ترین نعمت را در اختیار دارد و با این همه، گرفتار ضلالت باقی می‌ماند، وزرو ویال "علم بدون عمل" را به دوش می‌کشد. باور کنیم که پاسخگویی در روز جزا، دشوار است. به این هشدار مولی‌الموحّدین گوش جان بسپاریم که فرمود:

**اليوم عمل ولا حساب، و غداً حساب ولا عمل** (نهج البلاغه، خطبهٔ ۴۲)

چه پاسخی برای فردا مهیا کرده‌ایم، اگر رسول خدا از ما بپرسد دربارهٔ بی‌توجهی یا کم‌توجهی به میراث گران‌قدرش، که سخنان و سیرهٔ اوست؟ همین‌گونه در مورد یک به یک اهل بیت علیهم السلام.

۷. تلخی این مقاله‌گزنه را با این بیان حضرت مولی‌الموحّدین می‌توان جبران کرد که در بیانی محبت‌آمیز و پدرانه فرمودند:

**من حذر کمن بشرك** (شرح فارسی غررالحكم، ج ۵، ص ۲۰۲)

خردمند کسی است که هشدار دلسوزانه بر مدار حقایق را بر سخنان شیرین پندار مدار، ترجیح دهد. بداند که امروز را فردایی است، با آزمونی دشوار و فرصتی که از دست می‌رود و باز نمی‌گردد.

باری، ماییم و گنجینه‌گران قدری تحت عنوان حدیث. می‌توان کتاب کتاب، آن را از دست داد و می‌توان جمله جمله، بلکه کلمه کلمه آن را به باروری رسانید و از آن بهره‌ها گرفت. اختیار با خودمان است. در این کلام، تمام امت درگیرند: فضاهای پژوهشی با رویکرد تخصصی، فضاهای آموزشی با رویکرد تربیتی، فضاهای فرهنگی با رویکرد ترویجی، و آحاد مردم هر کدام به نسبت آنچه در این زمینه فraigرفته‌اند و می‌گیرند.



میدانی است بس گسترده از مسئولیت گریزناپذیر. آزمونی است فراغیر، که همگان درگیر آنند. هرکس باید بیندیشد که در این میدان و آزمون، چه جایگاهی دارد و برای آن چه برنامه‌ای.

۸. امید ما، در این هنگامه سخت و بس دشوار، جمله‌ای است کوتاه از پدر امّت امام موعود حضرت بقیة الله ارواحنا فداه، که به مانوید می‌دهد:

ان استَرَ شَدَتْ أُرْشِدَتْ (بحارالاتوار، ج ۵۱، ص ۳۳۹)

دست اندرکاران سفینه چشم بدان دوخته‌اند که در این "شب تاریک و بیم موج و گردابی چنین هائل" برگهایی لرزان را به عنوان "استرشاد" به پیشگاه آن حجّت خدای - که مانند جدّش امام کاظم علیه السلام، مصدق "الامام الہادی والولی المرشد" است (همان، ج ۱۰۲، ص ۱۶) - پیشکش کنند و تحفه ارشاد را از ناحیه قدس حضرتش به همگان تقدیم دارند.

ایدون باد.